

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

«بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت هفتم)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



PAVE
2008

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

MRTsoft

«بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

1997

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت هفتم)

هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.

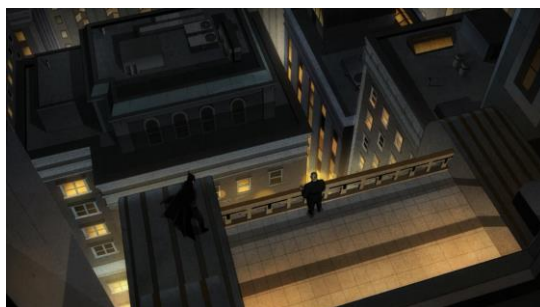
کریستوفر نولان، کارگردان سه‌گانه شوالیه تاریکی



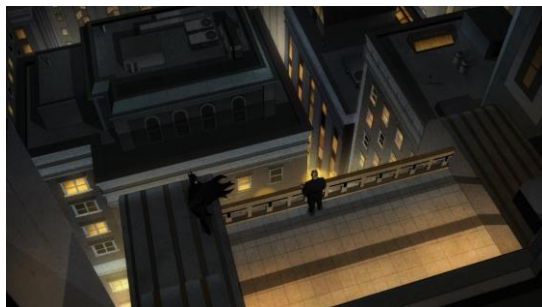
کارماین فالکونی: می دونی افرادم به این سالی که گذشت چی میگن...



کارماین فالکونی: هالووین طولانی!



کارماین فالکونی: پسر خواهرم، پسر، خواهرم...



کارماین فالکونی: نیمی از افرادم...



بتمن: چرا؟



بتمن: چرا دنت باید پسر ت رو بکشه؟



کارماین فالکونی: کاش فرصت این رو داشتم که پدر خوبی برای آلبرتو باشم...



کارماین فالکونی: دیگه هرگز نمی بینمش!



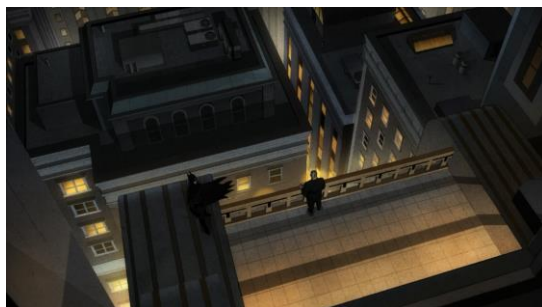
کارماین فالکونی: به خاطر این، من خیلی...



کارماین فالکونی: خیلی متاسفم...



کارماین فالکونی: بین آدمایی مثل من یه قانونی هست...



کارماین فالکونی: کاری به زن‌ها نداریم، ولی دنت طبق قوانین ما بازی نمیکنه...



کارماین فالکونی: و وقتی اون اتفاق بیفته، اون زن میمیره...



بتمن: گیلدا دنت؟!



کارماین فالکونی: عدالت هیچوقت تبعیض قائل نمیشه...



کارماین فالکونی: اول هم تو، بتمن!



شترق



تلق





سوفيا آلکالا: پدرخوانده!



کارماین فالكونی: پس من برای چی به این محافظها پول میدم!؟





بتمن: اون کار لازم نبود، اوضاع تحت کنترلم بود...



زن گربه‌ای: شاید...



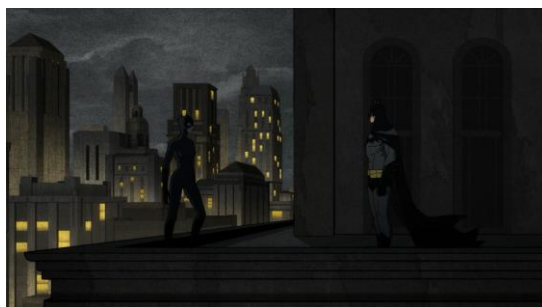
بتمن: کاش به من اعتماد می کردی و می گفتی چرا دنبال فالکونی هستی...



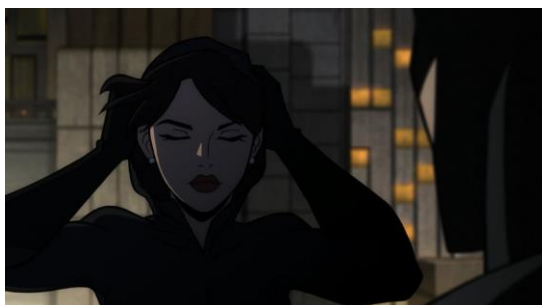
بتمن: اما اگه نمی خوای هم بگی، خودم می دونم....



بتمن: می‌دونم که مادرت یه رقص در کلوپ شبانه گاتهام بوده...



بتمن: خیلی سال پیش این کلوپ پاتوق کارماین فالکونی بود، این یعنی که اونا...





بتمن: وقتی بچه بودم، فالکونی بهم گفت من اون رو یاد دخترش که هم سن خودمه میندازم...



بتمن: ولی اون هیچوقت دختری نداشت، پس....



سلینا کایل: من و مادرم جایی توی دنیای اون نداشتیم، چون عضوی از خانواده نبودیم....



بتمن: برای همین از مرگ آلبرتو ناراحت شدی و افتادی دنبال قاتل تعطیلات، چون اون برادرت رو کشت...



بتمن: فالكونی درباره تو فکر می‌کرد، این یعنی که...



سلینا کایل: هنوز چیزهایی هست که ندونی، مادرم از سرطان خون مرد...



سلینا کایل: قبل از مرگش، همه چیز رو درباره پدرم گفت، و از من خواست برم پیشش...



سلینا کایل: و من رفتم، تنها پاسخی که بهم دادن، این بود که وقتی چشم باز کردم دیدم من رو به یه...



سلینا کایل: سارق گاوصندوق، فروختن که دستیارش باشم. یه پیرمرد به اسم کایل...



سلینا کایل: و من تبدیل به یه سارق شدم، چون خون یه هیولا در رگهام بود...



سلینا کایل: برای همین میگم ما مثل هم نیستیم...



بتمن: و دقیقا برای همین اشتباه میکنی. خون اون هیولا، تاثیری نداره، انتخاب خودته که مهمه...



سلینا کایل: نداشتن خانواده، خیلی سخته...



سلینا کایل: اصلا توی این جهنمی که اسمش گاتهامه، چیزی به اسم خانواده واقعی وجود داره!!؟



بتمن: هر کسی یا این دردها آشنا نیست، پس نمی تونه در کمون کنه...



بتمن: حداقل تو خودت رو مسئول اتفاقاتی که افتاده نمی‌دونی، ولی من کابوسم شده...



بتمن: برای آدمایی مثل ما، شاید فقط خودمون بتونیم همدیگه رو کامل کنیم...





مامور پلیس: دلیل این انفجارهای متعدد چیه؟!

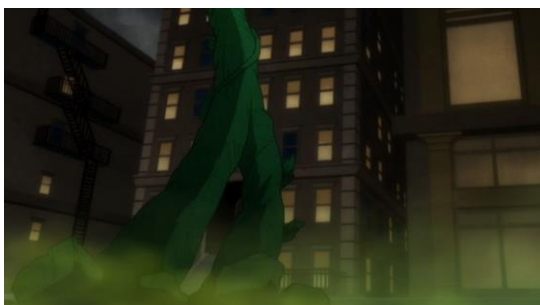




مردم: وواای!



تررق





م:ووووو



کلاهدوز دیوانه: همیشه فکر می کردم دیوونه‌ها رو میبرن آرکهام...



کلاهدوز دیوانه: حالا می بینم در مقابل دیوونه‌های بمب‌گذار دادگستری، ما خیلیم عاقلیم!



ٻوووووووووووووووووووووو



آیوی زهراآگین: انتظار داشتم بتمن بیاد، نه این بی سر و پاها!



مترسک: دستورات رئیس کاملا روشنه، فقط ویران کنین!



کارماین فالكونی: سوفیا، خواهش می‌کنم، من چیزیم نیست...



کارماین فالكونی: مثل یه پیرمرد با من رفتار نکن!



سوفیا آلكالا: شما پیر نیستید، پدرخوانده!



کارماین فالکونی: شاید دیگه واقعا، برای اینکار پیر شدم...



سوفیا آلكالا: چرا اینطور فکر می کنید؟!



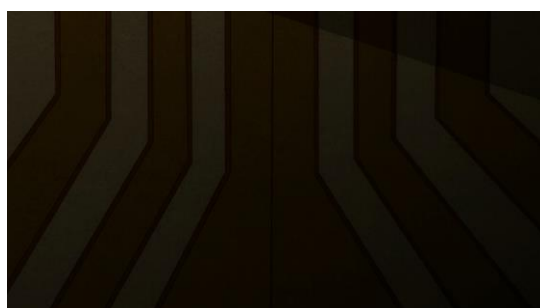
کارماین فالکونی: اوضاع تغییر کرده، خیلی زیاد، خیلی سریع، ولی من...



محافظ تبهکار: رئیس، اون پایین یه مشکلی پیش اومده، همه پلیس ها رفتن...



کارماین فالکونی: بالاخره وقتش رسیده، دنت داره میادا!





محافظ تبهکار: آتش!



بنگ



بنگ



بنگ آخ وای بنگ بنگ آآی غرررررررررررر



کارماین فالکونی: دنت با چی اومده؟!



بنگ



بنگ



بنگ



شتلق





سوفيا ألكالا: بيابن جلو حرومزادهها!



رررررتتتتت



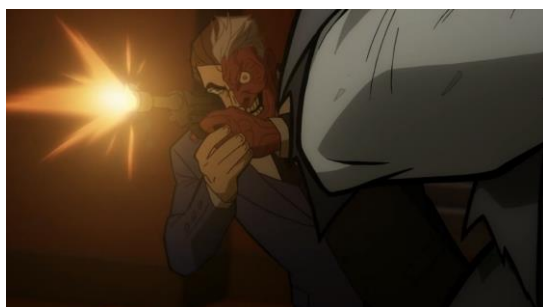
ررررررررررررررررررررررررررررررتتتتتتتتتت



ررررررررررررررررررررررررررررررتتتتتتتتتت



رررتتت



بنگ



بنگ



بنگ



سوفيا اَلکالا: چي؟!



بوووووم



کارماین فالکونی: دنت!





ترررق

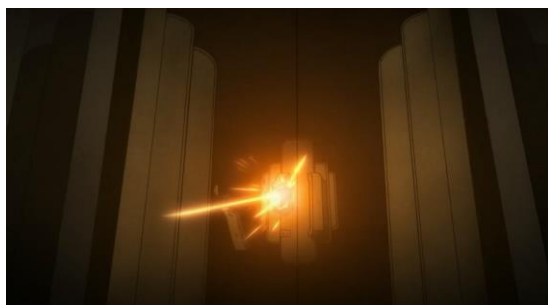




کارماین فالکونی: لعنتی، تو که یه زمانی برای من کار می کردی...



آیوی زهرا آگین: یه زمانی!



بنگ بنگ



ترق



روز داوریه!



مامور پلیس: متاسفانه توی فاضلاب گمشون کردیم...



مامور پلیس: اونا چندان مایل به ادامه درگیری نبودن، گمانم می خواستن حواسمون رو پرت کنن!



جیمز گوردون: آره، ولی حواسمون رو از چی پرت کنن!؟





تق



واقعا همش رو مدیون توئم، فالکونی...



بهم یاد دادی که همه آدما گناهکار و بی گناهن...



معنیش اینکه عدالت چیزی جز شانس نیست!



نتیجه‌اش غیرقابل پیشبینیه، بی طرف، بی تعصب...



منصفانه!



کارماین فالکونی، شما به جرم قتل، فساد، پول شویی، دزدی...



رشوه‌دادن به مقامات قضایی، رباخواری، زمین خواری....



در این دادگاه عادلانه حاضر شدید تا درباره سرنوشت شما تصمیم گیری بشه...



زنده میمونی...



تو میمیری!



آیا قبل از اجرای حکم حرفی برای گفتن داری!؟



کارماین فالکونی: ماشه کوفتی رو بکش و این بازی رو تموم کن!



مثل اینکه گوش نکردی...

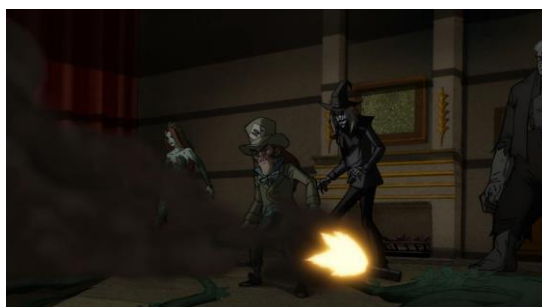


اگه گوش داده بودی، می فهمیدی که این تصمیم با من نیست...





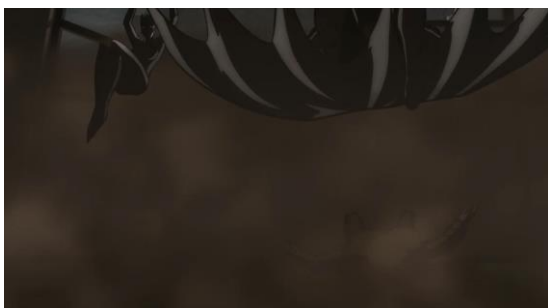
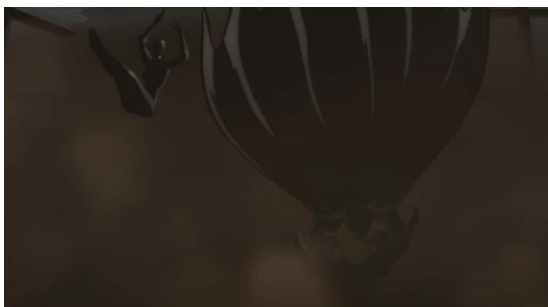
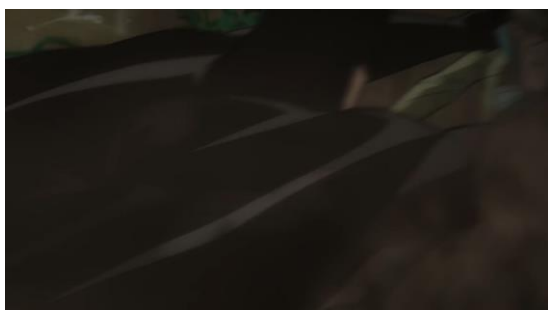
ووووش





سکه!











شتلق





شترق





شتلق



مترسک: بمیرا!



شترق



بنگ



جوکر: هاهاهاها



بنگ



شتلق



تلق



زن گربه‌ای: آه، بازم تو؟!



شترق



تلق





شترق



مترسک: گرفتمت!



مترسک: نظرت چیه یه کم بترسی!؟



شييفف





ترررق



مترسک: آآآخ!





بتمن: می خواستی چه غلطی بکنی!؟

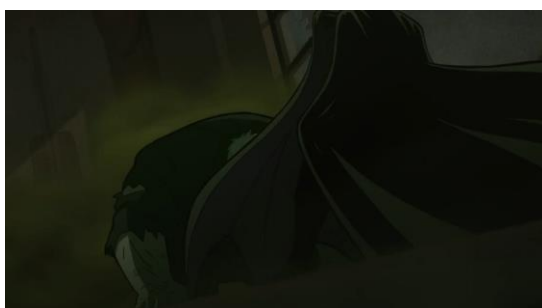
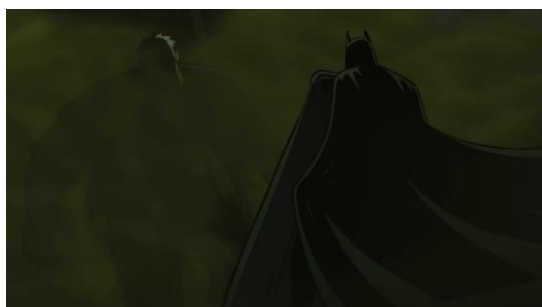
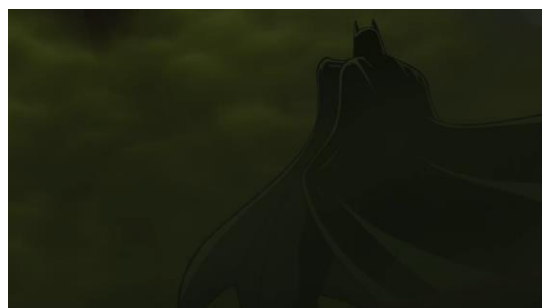


شتلق



شيبيفف





سلیمان گراندی: خرررررررررررر



پنگوئن: باز من و تو موندیم...



شترق



جوکر: بذار دخترا مسئلشون رو خودشون حل کنن، تو هم بیا بغل من...





بتمن: باشه!

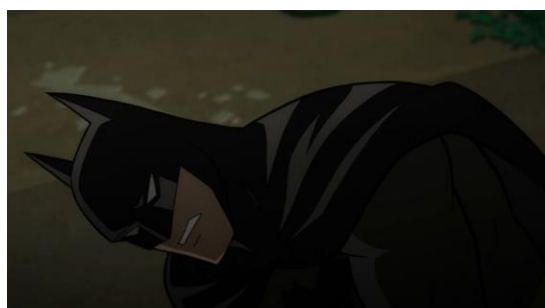
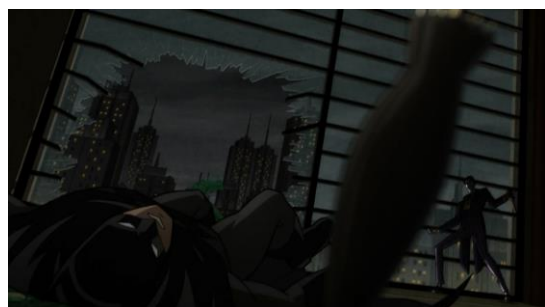


شتلق











شتلق





بتمن، تو می تونی شاهد باشی که برای اولین بار در تاریخ، عدالت واقعی اجرا میشه!



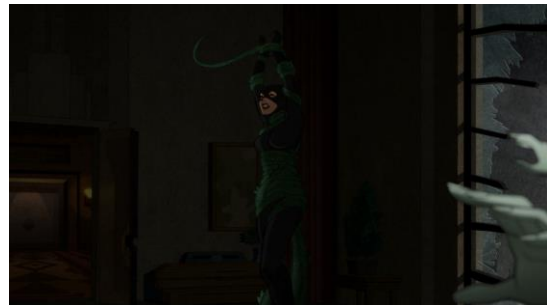
بتمن: نه!



تلق



بتمن: هاروی اینکار رو نکن!







آیوی زهرآگین: بالاخره به هم رسیدیم!



آیوی زهرآگین: بذار ببینم کی پشت این ماسک زشته...



تلق





بتمن: آروم باش، هاروی...

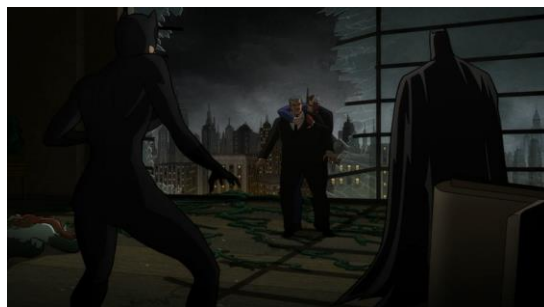


برید عقب!





بتمن: هاروی، مجبور نیستی اینکار رو بکنی...



هاروی دنت ضعیف بود و مرد، نمی بینی که این من، هستم بتمن؟!



به مرد هوشیار که کارای لازم رو انجام میده، برعکس آنچه فکر می کنی...



من انگیزه‌های بی‌اهمیتی مثل انتقام، یا بدتر ارتقای شغلی ندارم...



یه باری از روی دوشم برداشته شده...



دیگه نیازی نیست تشخیص بدم کی گناهکاره و کی بی‌گناه...



تنها کاری که باید بکنم، اینکه حکم تقدیر رو انجامش بدم...





گناهکار!



زن گربه‌ای: نه!



بتمن: نزن!



بنگ





زن گربه‌ای: اشغال دیوونه بی ارزش!



شتلق





سوفيا ألكالا: پدرخوانده!





زن گریه‌ای: صبر کن!



شترق



تلق





تیک تیک





هنوز فرق وزن اسلحه پر و خالی رو نمی‌دونی؟!

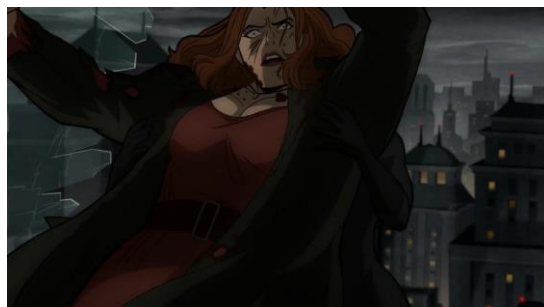


سوفیا آلكالا: نه، نه، نه، نه، نه، نه!





زن گربه‌ای: مراقب باش!

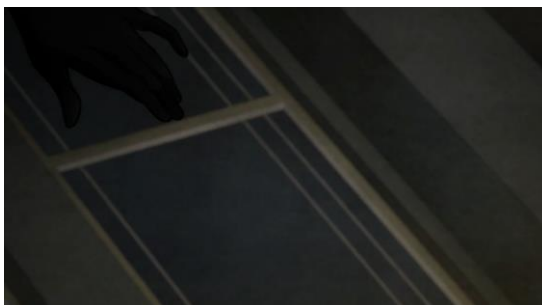




سوفيا ألكالا: ولم نكنيا!



زن گربه‌ای: نمی‌تونم... نمی‌تونم، نگهت دارم....



زن گربه‌ای: نه!







کارماین فالکونی: س... سلینا...



سلینا کایل: برو به جهنم!



بتمن: سلینا!



کارماین فالکونی: نتونستم پدر خوبی..... باشم.... برای هیچکدومشون...



کارماین فالکونی: من... خانواده‌ام رو..... نابود کردم....



بتمن: منم همین طور...



کارماین فالکونی: سلینا... ازش... مراقبت کن... کاری که من نتونستم....

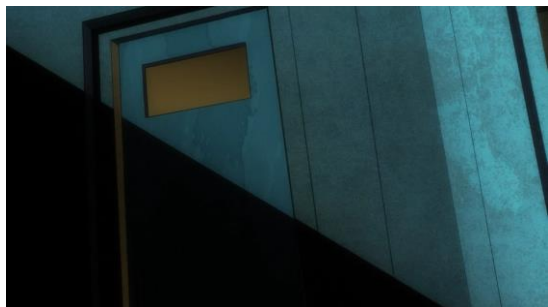


بتمن: قول میدم!



کارمای فالکونی: تو... دشمن... ارزشمندی هستی...







جیمز گوردون: هاروی؟



بتمن: دیگه نیست!



باید انجامش می دادم...



جیمز گوردون: هیچوقت نمی تونی من رو متقاعد کنی...



دیگه هیچ قاضی ای رشوه نمی گیره، هیچ شاهدی ناپدید نمیشه...



فالكونی دیگه مرده و این افتخار مال دوچهره است...



هالوین طولانی دیگه تمومه...





بتمن: بهت کمک می کنیم...



دیگه از این به بعد، شماها یید که به کمک نیاز دارید...



من راه نجات گاتهام رو نشون دادم، از این به بعد، دیگران ادامه اش میدن، و این چرخه تکرار میشه...



چرخه خشونت، قتل، خونریزی، انتقامجویی، زندگی یعنی همین!



جیمز گوردون: هاروی، تو به تمام باورهایی که سنبلش بودی خیانت کردی...



من کاری رو کردم که گاتهام لازم داشت، انجام بشه...

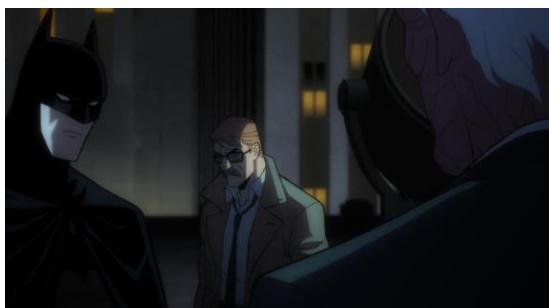




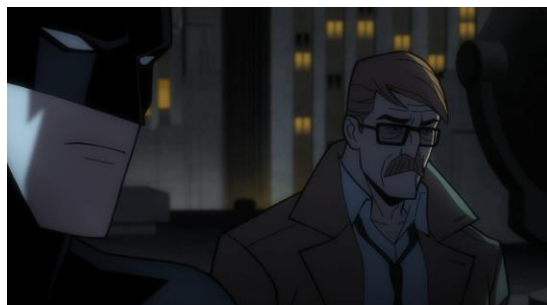
دستگیرم کن، جیم!



من قاتلم، نه فقط فالکونی، که تمام قتل‌هایی که طی یک سال گذشته رخ داده...



من آنچه فکر می‌کردم عدالته، انجام دادم. نوبت شماست...





جیمز گوردون: کاش مرده بودم و این شب تاریک رو نمی‌دیدم!





بتمن: تو قال تعطیلات نیستی...



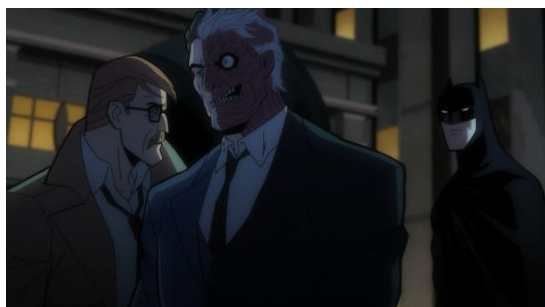
بتمن: سال پیش همین جا ایستاده بودیم، شبی که ویتی کشته شد. من چشم‌های تو رو دیدم...



بتمن: برعکس الانت، اون موقع نگاه یه قاتل درش نبود...



اگه اینطور فکر می کنی، به گشتنت ادامه بده!



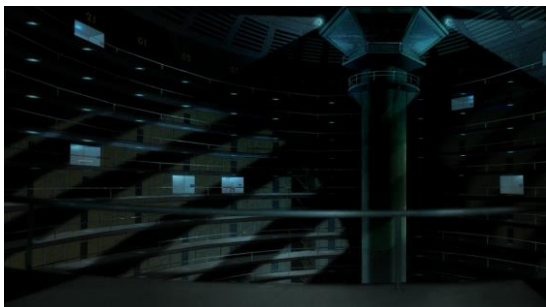
جیمز گوردون: بتمن، ما چاره‌ای نداریم، می‌دونم قبول کردنش سخته، ولی حقیقت داره...



جیمز گوردون: شوالیه سفید گاتهام، خیلی وقته که سقوط کرده!











گیلدا دنت: باید انجامش می‌دادم، خودت می‌دونی!



گیلدا دنت: همون جوری که می‌دونی هاروی هیچوقت توی آکسفورد تحصیل نکرده، من بودم...



گیلدا دنت: توی آکسفورد، من و...



بتمن: آلبرتو فالكونی...



گیلدا دنت: کاش می تونستی تصور کنی که چقدر اون روزها عاشق هم بودیم، عاشق زندگی...



گیلدا دنت: من حامله بودم، اصلا درنگ نکرد، همون روز رسماً ازدواج کردیم...



گیلدا دنت: اون بچه‌ای که توی شکم من رشد می کرد، وارث امپراطوری فالکونی بود...



گیلدا دنت: و کارماین هیچوقت یه بچه نامشروع رو نمی پذیرفت که وارثش باشه...



گیلدا دنت: سعی کردم سر زندگیمون بجنگم، ولی علیه پدرخوانده گاتهام، چه شانسی داشتم!؟



گیلدا دنت: برخلاف میللم، ازدواجمون فسخ شد و بچمون رو از رحمم کشیدن بیرون...



گیلدا دنت: کاری که باهام کردن، جوری که انجامش دادن، من رو نابود کرد...



بتمن: تو می خواستی انتقام بگیری...



گیلدا دنت: من می خواستم عدالت اجرا بشه، پس برگشتم گاتهام و با مردی ازدواج کردم که فکر می کردم...



گیلدا دنت: بهترین شانس اجرای اون عدالت رو داره...



گیلدا دنت: من و هاروی خیلی شبیه هم بودیم، ولی اون موقع اهریمن درونش ظهور نکرده بود...



گیلدا دنت: و من ازش ناامید شدم چون به نظرم اون و دادگاه‌هاش بدردنخور بودن...



گیلدا دنت: اون آنقدر مشغول سر و کله زدن با اهریمن درونش بود که من مجبور شدم به تنهایی انجامش بدم....





گیلدا دنت: هر روز تعطیل، تبهکاران رو به سزای عملشون می‌رسوندم. شبی که آلبرتو طلاقم داد، هالووین بود...



گیلدا دنت: و من از شب هالووین شروع کردم، اصلا بابت کارهایی که کردم پشیمون نیستم...



گیلدا دنت: مطمئنم اگه تو هم جای من بودی همین کار رو می‌کردی، و تقریبا هم داری می‌کنی...



گیلدا دنت: مشخصه برای تو هم یه اتفاق وحشتناک افتاده و زندگیت رو از روال عادی خارج کرده...



گیلدا دنت: لباس پوشیدنت مثل یه خفاش این رو مخفی نمی کنه، بلکه فریاد میزنه...

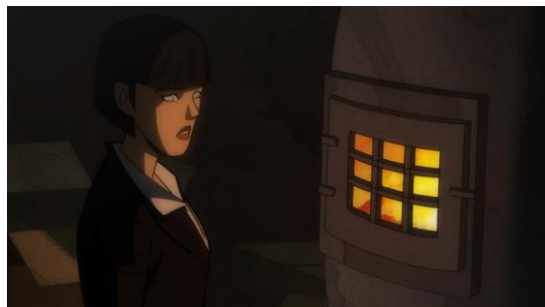


گیلدا دنت: یه اتفاق وحشتناک و بعدش دیگه خودت نیستی، این مرز بین عقل و جنونه...



گیلدا دنت: یه مرز باریک...





گیلدا دنت: حالا دستگیرم می کنی یا اینکه اونجا وایسادی که قضاوتم کنی؟!



بتمن: درسته، یه اتفاق وحشتناک برام افتاد، ولی من در پاسخش سعی کردم جلوی چرخه خشونت رو بگیرم...



بتمن: تو بهش ملحق شدی، و همه فکر کردن کار هارویه، بلایی که سرش اومد...



بتمن: می‌خوام مطمئن بشم که قضیه هالووین طولانی دیگه تمومه...



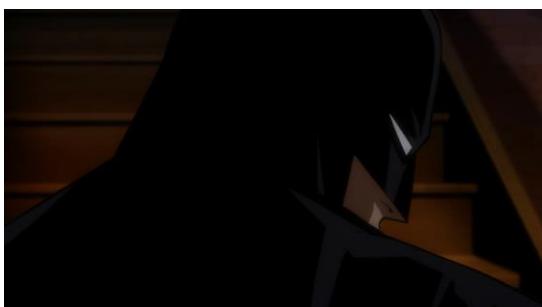
گیلدا دنت: کار من تمومه، ولی قضیه چرخه خشونت، تا ابد ادامه داره...



بتمن: از اینجا برو، خانم دنت. دیگه در گاتهام چیزی برای تو وجود نداره...



گیلدا دنت: مگه برای تو وجود داره، که موندی؟!



بتمن: تو از گاتهام چیزی به جز خرابه‌ای نفرت‌انگیز پر از آدمای پست نمی‌بینی...



بتمن: ولی من امید رو در چشمای مردمش می‌بینم، اینجا زندگی خیلی سخته...



بتمن: ولی اونا باور دارن که فردایی روشن تر در انتظارشونه و برای همین تلاش می کنن...



بتمن: درسته، قبل از طلوع خورشید، خیلی تاریکه، تا وقتی خورشید طلوع کنه، من باید باشم...



گیلدا دنت: تو مرد خوشبختی هستی که به چیزی باور داری، از روز یمی ترسم که مردم ناامیدت کنن...





یک سال بعد...





بروس وین: آلفرد، جدی؟!



آلفرد پنیورث: می‌دونم دیروقته قربان، ولی شایدم یه بچه اومد. به یاد قدیما...



بروس وین: مهم نیست چقدر دیروقت باشه، هیچوقت کسی برای قاشق‌زنی نمیاد اینجا...



بروس وین: همه خانواده‌های گاتهام، یک‌دندگی تو رو ندارن!



آلفرد پنیورث: ولی تجربه ثابت کرده که تغییر ممکنه، مثل قضیه ازدواج شما، کی فکرش رو می کرد؟!



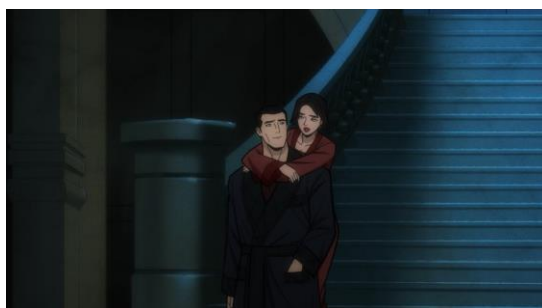
بروس وین: باور کن یه چیزایی هیچوقت تغییر نمی کنه...



بچه: یه شکلات بده!



آلفرد پنیورث: که کسی اینجا نمیداد، ها؟!



سلینا کایل: وقتی اشتباه می کنی، ولی نمی خواهی باورش کنی، خیلی بانمک میشی!





آلفرد پنیورث: هالووین مبارک، بتمن!



پایان

DC DELUXE

BATMAN

THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

